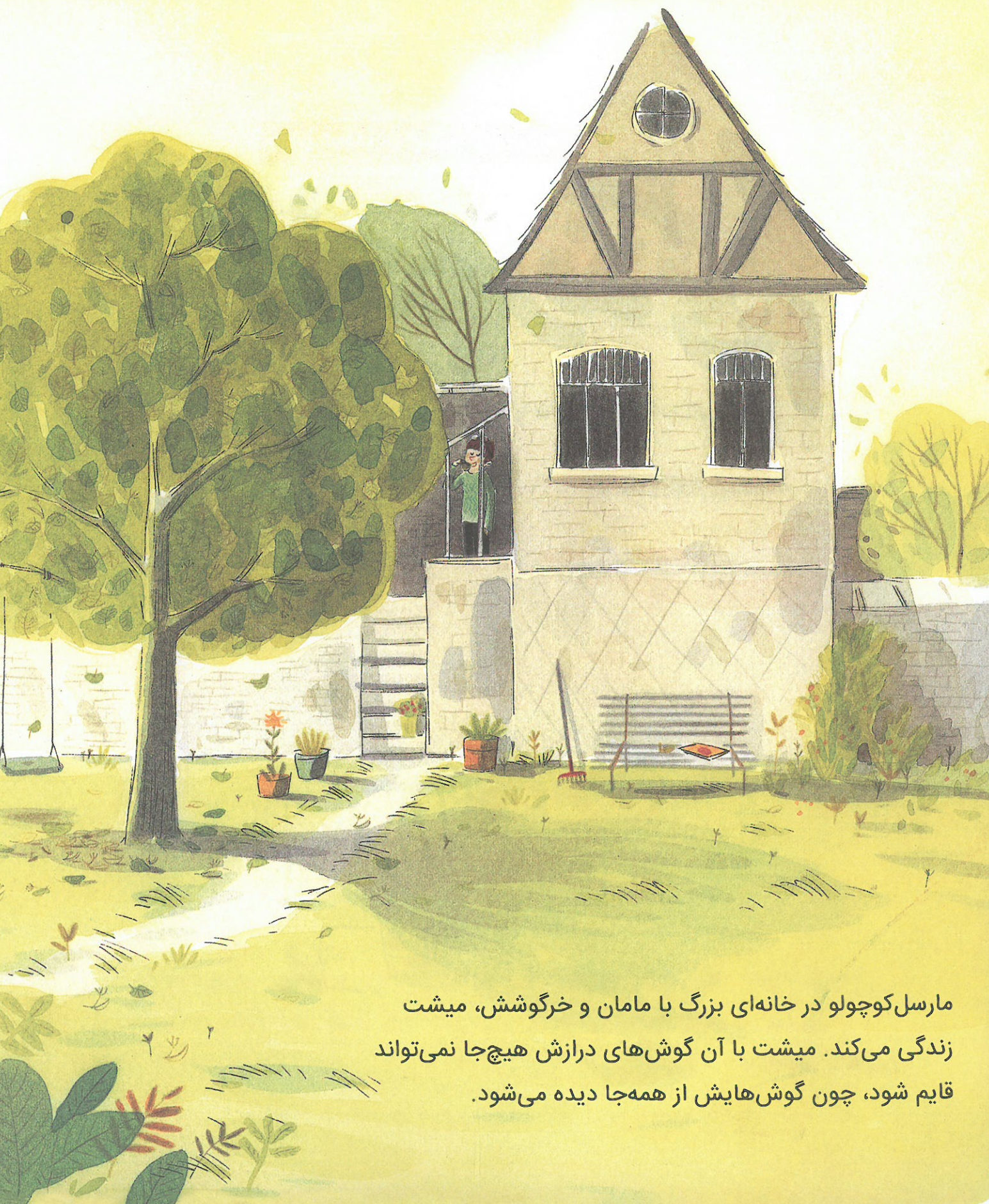




مارسل کوچولو در خانه‌ای بزرگ با مامان و خرگوشش، می‌شت
زندگی می‌کند. می‌شت با آن گوش‌های درازش هیچ‌جا نمی‌تواند
قایم شود، چون گوش‌هایش از همه‌جا دیده می‌شود.

مارسل همیشه لباس قرمز می‌پوشد، چون رنگ مورد علاقه‌اش است.
گاهی ژاکت و بعضی وقت‌ها کلاه یا جورابش هم قرمز است.
مهم‌تر از همه، او همیشه لبخند می‌زند.



هر روز صبح قبل از خوردن صبحانه، مارسل خودش تنهایی و مثل آدم بزرگ‌ها،
لباسش را می‌پوشد و دکمه‌هایش را می‌بندد!
در آینه‌ی بزرگ اتاق خواب نگاهی به خودش می‌اندازد و می‌گوید:
«چه خوش تیپ!!»





بعد به آشپزخانه می‌رود و مامانش را می‌بیند که در حال آماده‌کردن صبحانه است. یک تکه نان تست با مربا را در ظرف شیر ولرمش فرومی‌کند.

آخر مهم است که روز را خوب شروع کنیم!

یک روز وقتی مارسل داشت صبحانه‌ی خوشمزه‌اش را می‌خورد،
یکهو به مامانش گفت: «مامانی خیلی دوستت دارم!
ولی می‌ترسم یک روز دیگر پیش من نباشی.»

